



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از بحثهای وقف بحث وقف بر فرق اسلامی است که در بعضی کتب وجود ندارد ولی علامه در تذکره این مطلب را ذکر کرده و فرموده: «مسألة ۷۴: إذا وقف على المسلمين كان لمن أقر بالشهادة ولمن هو في حكمه من أطفالهم ومجانينهم لأنه المتبادر إلى الفهم ولا فرق في ذلك بين طوائف أهل الاسلام ما لم يرتكب ما يعلم بطلانه من الدين ضرورة كالغلاة (قائل به حلول و اتحاد هستند و قائل به حلول خداوند در وجود حضرت علی علیه السلام هستند) والمجبرة (کسانی هستند که می گویند ما مجبور هستیم و دارای هیچ اختیاری نیستیم) والمشبهة (کسانی که خداوند را تشبیه به انسان می کنند) وخصص بعض علمائنا ذلك إذا صدر من المسلم الحق بالحق من المسلمين (و به قال ابن ادریس فی السرائر) وليس جيدا ونحو ما قلناه قال الشيخ ره فإنه قال إذا وقف المسلم شيئا على المسلمين كان لجميع أقر بالشهادتين وأركان الشريعة من الصلاة والزكاة والصوم والحج وان اختلفوا في الأداء والديانات وقال بعض علمائنا يكون لمن صلى إلى القبلة وهو قريب ان لم يقصد الصلاة بالفعل بل يقصد اعتقاد الصلاة إلى القبلة»^۱.

یکی از مسائل مهم طوائف اهل اسلام است که پیغمبر اکرم صلوات الله عليه و آله فرمودند یهود ۷۱ فرقه شدند و نصرانی ها ۷۲ فرقه شدند و امت من ۷۳ فرقه خواهند شد حالا اینکه فرقه ناجی از امت رسول الله صلی الله علیه وآله کدام است یک بحث بسیار مهمی

می باشد البته این ۷۳ فرقه از مسلمانان نیز اصول هستند و إلا بعضی از اینها خودشان چندین فرقه هستند مثلا صوفیه هفتاد و چند فرقه هستند لذا در اینجا چند بحث بوجود آمده؛ اول همین مسئله افتراق شناخت طوائف و فرق اسلامی می باشد، برای مطالعه شما عرض می کنم که در سفینه البحار جلد ۷ صفحه ۷۱ از طبع جدید بابی منعقد شده بنام: "باب افتراق الأمة بعد النبي صلى الله عليه وآله وسلم" و بعد ایشان مباحثی را در مورد فرقه ناجیه مطرح کرده و خبری را از خصال نقل کرده، عبارت سفینه البحار این است: «باب افتراق الأمة بعد النبي صلى الله عليه وآله وسلم على ثلاث و سبعين فرقة و انه يجري فيهم ما جرى في غيرهم من الأمم "سُنَّةُ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَ لَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا"^۲،

الفرقة الناجية:

"الخصال: عن علي بن أبي طالب عليه السلام قال: سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم يقول: إن أمة موسى عليه السلام افرقت بعده على إحدى و سبعين فرقة، فرقة منها ناجية و سبعون في النار و افرقت أمة عيسى عليه السلام بعده على اثنتين و سبعين فرقة، فرقة منها ناجية واحد و سبعون في النار، و ان أمتي ستفترق بعدي على ثلاثة و سبعين فرقة، فرقة منها ناجية و اثنتان و سبعون في النار، و بمضمونها روايات كثيرة»^۳.

قبلا بنده بحثی در مورد فرقه ناجیه داشتم و عرض کردم که به نظر بنده محکم ترین دلیل حدیث ثقلین می باشد زیرا شکی نیست که این حدیث هم در نزد

^۲ سورة احزاب، آیه ۶۲.

^۳ سفینه البحار، محدث قمی، ج ۷، ص ۷۱.

^۱ تذکره الفقهاء، علامه حلی، ج ۲، ص ۴۳۰، ط قدیم.

الاطلاق ليس بجيد بل إذا كان الواقف زیدیا كان كذلك فإن كان اماميا كان الوقف باطلا بناء منه على أن وقف المحق على غير المحق باطل»^۵.

علامه مجلسی در بحار الانوار جلد ۶۹ صفحه ۱۷۸ چاپ بیروت بابی منعقد کرده بنام: "باب المرجئة والزیدية والبترية والواقفية"، بیشتر این فرقه ها را بنی عباس و بنی امیه بوجود آوردند تا اینکه شیعیان را تضعیف کنند و شمشیر و منطق آنها را سست کنند مثلاً مجبره را بنی امیه بوجود آوردند و آنها می گفتند امام حسین علیه السلام که کشته شده کار خداست، مثلاً ابن زیاد به حضرت زینب سلام الله علیها گفت کیف رأیت صنع الله بأخیک الحسین؟ یعنی می خواهد بگوید ما مقصر نیستیم "فقال ما رأیت إلا جمیلاً" و یا مثلاً همین ابن زیاد به امام سجاد علیه السلام گفت شنیده ام که در صحرای کربلا علی را خدا کشت حضرت در جوابش فرمود او برادر من علی اکبر بود خدا او را نکشت بلکه لشکر تو او را کشتند خلاصه اینکه اینها سعی می کردند خودشان را تبرئه کنند و تقصیرها را به گردن خدا بیاندازند و کم کم یک مذهبی بنام مجبره بوجود آوردند و یا مذهب دیگری بنام مرجعه بوجود آوردند که می گفتند اگر کسی در طول عمرش یک عمل خوب انجام دهد دیگر قیامت عذاب ندارد، علی ای حال علامه مجلسی در بابی که عرض کردم چندین صفحه درباره این فرقه ها بحث کرده که مطالعه بفرمائید. بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین

اهل سنت و هم در نزد ما متواتر است و این حدیث بسیار معتبر می باشد بنابراین هر فرقه ای که به کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام تمسک کند و از راهی که آنها گفته اند برود ناجی می باشد.

محقق در مسئله بعدی می فرماید: «مسألة ۷۵: إذا وقف على المؤمنین كان مصرفه الاثني عشرية عند علمائنا لأنه المتعارف من هذا الاطلاق وهل يشترط فيه اجتناب الكبائر قال الشيخ ره نعم فلا يجوز للفساق من الامامية اخذ شيء منه وأطلقه سارار وقال يكون للامامية كما اخترناه نحن لان الفسق لا يخرج المؤمن عن ايمانه وللشيخ ره قول اخر في التبيان (تفسير طوسی است که اقوال فقهی نیز در آن ذکر شده) يقتضي دخول الفساق فيهم»^۴.

مسئله ۷۶: «مسألة إذا وقف على الشيعة ولم يميز صرف ذلك إلى من يقدم عليا عليه السلام في الإمامة على المشايخ وقال الشيخان (شيخ طوسی و شيخ مفيد) ره يكون ذلك ماضيا في الامامية والجارودية من الزيدية دون البترية وقال ابن إدريس إذا كان الواقف من إحدى فرق الشيعة كالجارودية والكيسانية والناووسية والفتحية والواقفية والاثني عشرية حمل كلام العام على شاهد حاله وفحوى قوله وخصص به وصرف في أهل نخلته دون من عداهم من سایر المنطوق عملاً بشاهد الحال ولا بأس به ولو وقف على الزيدية كان مصروفاً على القائلين بامامة زيد بن علي بن الحسين عليهما السلام وامامة كل من خرج بعده بالسيف من ولد فاطمة سلام الله عليها من ذوي الرأي والعلم والصلاح قال الشيخان ره وقال ابن إدريس هذا

^۴ تذكرة الفقهاء، علامه حلی، ج ۲، ص ۴۳۰، ط قدیم.

^۵ تذكرة الفقهاء، علامه حلی، ج ۲، ص ۴۳۰، ط قدیم.